



David Ruzi

داوید روزیه

ترجمه:

دکتر سید علی هنجانی

روشهای به اجر ادرآمدن تعهدات

بین المللی فرانسه



با توجه به نظر دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در رأی مورخ ۲۱ فوریه ۱۹۲۵ که از آن زمان به بعد مستمراً مورد تأیید قرار گرفته است «دولتی که صحیحاً تعهدات بین‌المللی منعقد کرده موظف است برای تأمین اجرای آن اصلاحات لازم در قوانین خود انجام دهد». بنابراین بطور کلی می‌توان گفت که همه مقامات قانونی فرانسوی مسؤول اجرای تعهدات بین‌المللی پذیرفته شده توسط فرانسه و نیز موافقت‌نامه‌های بین‌المللی منعقد شده توسط این دولت هستند. تعهدات مزبور هم شامل تعهداتی است که مندرج در موافقت‌نامه‌های بین‌المللی است و هم شامل تعهداتی که منتج از این موافقت‌نامه‌ها خواهد بود. چنین تفکیکی در مورد حقوق جوامع اروپایی میان حقوق جامعه اروپا که جنبه اصلی دارد و حقوق متفرع از آن وجود دارد و می‌توان آنرا عیناً در مورد سازمانهای بین‌المللی که به آنها سازمانهای کلاسیک اطلاق می‌شود در نظر گرفت. سازمانهای مزبور بنا بر منشور یا اساسنامه خود می‌توانند دارای قدرت وضع مقررات باشند و یا واجد قدرت تصمیم‌گیری باشند و یا هر دو توانایی را داشته باشند.

به منظور بررسی کلی روشهایی که توسط آن مقررات بین‌المللی دولت فرانسه به مورد اجرا گذاشته می‌شود ضروری است به ترتیب مواد

قانون اساسی- سایر قوانین و مقررات و نیز عملکرد اداری و اصول مربوط به رویه قضایی را مورد بررسی قرار دهیم.

۱. متون قانونی

در زمینه متون قانون چند اصل قانون اساسی، یک متن مربوط به مقررات دولتی و یک قانون جدید را می توان ذکر کرد. اصول مهم قانون اساسی در این زمینه بند ۲ ماده ۵۳ و ماده ۵۵ قانون اساسی مورخ ۴ اکتبر ۱۹۵۸ است. به موجب بند ۲ ماده ۵۳ «قراردادها یا موافقت نامه ها منحصرأ بعد از تصویب یا پذیرش آنها دارای آثار قانونی خواهند بود» و به موجب ماده ۵۵، «معاهدات یا موافقت نامه هایی که صحیحاً تصویب یا پذیرفته شده اند پس از انتشار دارای قدرتی مافوق قوانین هستند به شرط آنکه هریک از موافقت نامه یا معاهده از طرف مقابل اجرا شود». هرچند که شرط تقابل که در انتهای ماده ۵۵ آمده مستقیماً راجع به اجرا درآمدن تعهدات پذیرفته شده و تعهدات منعقد شده از سوی دولت فرانسه نیست ولی به هرحال مسأله حائز اهمیت است و در رویه دادگاههای فرانسه، از نظر رعایت به اصل برتری معاهدات یا موافقت نامه ها بر قانون قابل بحث خواهد بود. عجاله لازم است به شرایط مربوط به، به اجرا درآمدن معاهدات بین المللی اشاره کنیم. شرط اول تصویب یا تأیید است که از نظر قانون صحیحاً انجام گرفته باشد و دیگری انتشار. شرط اول برای متعهد کردن دولت فرانسه ضروری است و شرط دوم در آثار مترتبه نسبت به افراد مؤثر است. معاهدات یا موافقت نامه های راجع به واگذاری، معاوضه یا الحاق سرزمین که برای تحقق آن جلب رضایت مردم ذینفع لازم تشخیص داده شده است نیز از موارد خاص بشمار می رود. (مانند همه پرسی مورخ اول ژوئیه ۱۹۶۲ در الجزایر یا همه پرسی ۱۹ مارس ۱۹۶۷ در سومالی فرانسه).

علیرغم بعضی ابهامات در متون و عملکردی نامتجانس و متغیر و اختلافات عقیدتی بطور کلی قرارداد بین المللی باید الزاماً، اگر رسمی است به تصویب رئیس کشور رسد و اگر قراردادی ساده یا اجرایی است تأیید

دولت شود. تصویب و پذیرش از سوی قوه مجریه است. در موارد پیش بینی شده در ماده ۵۳ قانون اساسی، تشریفات مزبور باید بعد از اجازه مجلس مبنی بر تصویب یا تأیید انجام گیرد. ماده ۵۳ معطوف به قراردادهای صلح و تجارت است و نیز متوجه قراردادها یا موافقت نامه های مربوط به سازمان و نظام بین المللی و قراردادهایی که برای دولت تعهدات مالی ایجاد کند و قراردادهایی که قوانین را تغییر دهد و آنهایی که مربوط به احوال شخصیه افراد است و یا راجع به واگذاری، معاوضه یا الحاق سرزمین است. اجازه مجلس حتماً باید پیش از تصویب یا تأیید صادر شود و نباید قبل از صدور جواز مذکور هیچ گونه اقدام اجرایی به عمل آید. سلسله مراتب مذکور گاهی موجب بروز مشکلاتی می گردد و آن هنگامی است که رئیس جمهور علناً یعنی رسماً بنام فرانسه از بعضی از دیون کشور نسبت به دولتهای خارجی قبل از مداخله مجلس اعلام انصراف کند.^۲ مقررات مجلس چنین پیش بینی می کند که هیچ اصلاحیه ای^۳ بر ماده ای از مواد قرارداد بین المللی یا موافقت نامه و حتی هیچ اصلاحیه ای بر لوایح قانونی از طرف نماینده مجلس پذیرفته نیست. گاهی به جای اجازه مجلس برای تصویب یا تأیید، از ملکت کسب اجازه می شود و مسأله به همه پرسی گذاشته می شود و این در موردی است که معاهده ای «بدون آنکه مخالف با قانون اساسی باشد دارای آثار و عواقبی بر فعالیت نهادها و مؤسسات باشد» (ماده ۱۱). این ماده نخستین بار راجع به قرارداد توسعه جوامع اروپایی مورخ ۲۲ ژانویه ۱۹۷۲ (همه پرسی ۲۳ آوریل ۱۹۷۲) به مورد عمل گذاشته شد. معذک مسلم نیست که در این مورد بخصوص همه پرسی روش مناسب می بوده است. هنگامی که یک تعهد بین المللی دارای بندی مخالف قانون اساسی است «اجازه تصویب یا تأیید پس از تجدیدنظر در قانون اساسی امکان پذیر است» (ماده ۵۴) و لازم است که شورای قانون اساسی که مرجع صالح برای بررسی تطابق قراردادها با قانون اساسی است

۲. نگاه کنید پاسخ پ: بیل کوک در پرسش شفاهی م. کاپاوه روزنامه رسمی، مباحثات سنا- ۱۲ دسامبر ۱۹۷۲، ۳۰۱۷.

3. Amendment

توسط یکی از چهار مقام صلاحیتدار یعنی رئیس جمهوری، نخست وزیر، رئیس یکی از دو مجلس جهت این امر تشکیل جلسه دهد. روش مذکور نخستین بار در مورد تصمیم شورای جوامع اروپایی مورخ ۲۱ آوریل ۱۹۷۰ راجع به ایجاد منابع مالی ویژه و نیز راجع به قرارداد ۲۲ آوریل ۱۹۷۰ درباره توسعه قدرت مالی و بودجه پارلمان اروپایی بکار گرفته شد. شورای قانون اساسی که بادرخواست نخست وزیر تشکیل گردید در تصمیم گیری ۱۹ ژوئن ۱۹۷۰ تطابق دو فقره مقررات فوق را با قانون اساسی تأیید نمود. عمل تصویب^۵ بنا بر ماده ۵۲ قانون اساسی وظیفه رئیس جمهوری است ولی تأیید یا پذیرش^۶ قرارداد ساده یا اجرایی آنچنان که از ماده مذکور مستفاد می شود ممکن است توسط نخست وزیر انجام گیرد. از نظر تشریفات در داخل، تصویب عبارت است از تصمیم رئیس جمهوری که توسط نخست وزیر و وزیر امور خارجه نیز امضا بعدی می شود. مرحله بین المللی کار، بسته به مورد عبارت خواهد بود از تبادل اسناد تصویب و یا تودیع آن نزد دولتی دیگر یا سازمانی بین المللی. تأیید یا پذیرش نیز آنچنان که از رویه شورای دولتی برمی آید عموماً با دستور انتشار یکی گرفته می شود^۷ و از نظر بین المللی تأیید یا پذیرش عبارتست از ابلاغ یادداشت توسط وزیر امور خارجه.

در زمینه لزوم انتشار قرارداد بین المللی، قانون اساسی آن را متذکر شده است و چگونگی انتشار از طریق آیین نامه تعیین می شود. مقرراتی که هم اکنون مجری است در اجرای همان قانون اساسی ۲۷ اکتبر ۱۹۴۶ است که در این زمینه اصلی همانند پیش بینی می کرد. تصویب نامه^۸ ۱۴ مارس ۱۹۵۳ مقرر می داشت که معاهدات، موافقت نامه ها، پروتکل ها یا

4. Ratification

5. Approbation

۶. شورای دولتی ۱۳ ژوئیه ۱۹۶۵، شرکت ناویگاتور؛ مجموعه لوپون، ص ۴۳۲: انتشارات فورنیه

7. Décret

۸. روزنامه رسمی، ۱۵ مارس، ص ۲۲۳۶

مقرراتی که فرانسه را نسبت به یک دولت یا یک سازمان بین المللی متعهد می کند و یا اگر در چهارچوب سازمانی بین المللی که فرانسه در آن عضویت دارد اتخاذ تصمیم می شود و «به شکلی است که با اجرای آن حقوق یا تکالیف اشخاص تحت تأثیر قرار می گیرد باید در روزنامه رسمی جمهوری فرانسه منتشر شود (ماده ۳). بدین ترتیب همه توافقات مذکور نباید در روزنامه رسمی منتشر شود. به موجب همان تصویبنامه مقررات سازمانی بین المللی که بطور کامل در بولتن رسمی همان سازمان منتشر می گردد و در اختیار عموم قرار می گیرد لازم نیست در روزنامه رسمی جمهوری فرانسه منتشر گردد. مقرر مزبور به ویژه از آن جهت که مقررات جامعه های اروپایی بسیار است و در روزنامه رسمی مربوط منتشر می شود* بسیار سودمند واقع شده است. تصویبنامه دیگری مورخ ۲ دسامبر ۱۹۵۳ روزنامه رسمی جامعه اروپا را (جامعه ذغال و فولاد آن روز) با روزنامه رسمی جمهوری فرانسه یکسان می داند. به علاوه به موجب تصویبنامه مذکور مقرر شده بود که بولتن رسمی ویژه ای زیر نظر روزنامه رسمی جمهوری فرانسه منتشر شود و در اختیار عموم قرار گیرد که در آن دقیقاً به موضوعات مربوط ارجاع داده شود که به آن عمل نشد. عملاً از سال ۱۹۵۸ هر ساله مجلدی بنام «مجموعه قراردادها و موافقت نامه های منعقد شده توسط فرانسه - تشریح شده در روزنامه رسمی» به طبع می رسد و متونی که طبیعتاً یکبار قبلاً منتشر شده در آن گردآوری می شود. از سال ۱۹۶۹ نیز جزوات ویژه ای حاوی متون مختلف منتشر شده، قبل از انتشار مجموعه مذکور به چاپ می رسد. به موجب قانونی که در ۲ ژانویه ۱۹۷۳ (ماده ۵) به تصویب رسیده است مفاد معاهدات بین المللی کار که دارای قابلیت اجرا در حقوق داخلی فرانسه است به مجموعه قانون کار منضم خواهد شد.

۲. روش کار اداری

لازم است بین عملکرد اداری مربوط به تعهدات و موافقت نامه های بین المللی در غیر جامعه اروپایی که برای سهولت به آنها کلاسیک

می‌گوییم و عملکرد مربوط به جامعه اروپا تفکیک قائل شویم، زیرا در دسته اخیر سازمان یافتگی نسبی وجود دارد، در حالی که در دسته اول روش تابع اعمال و اوضاع است (پراگماتیسم) که گاهی باعث اشتباهات و نارسایی می‌گردد.

الف. روش معمول در تعهدات بین‌المللی کلاسیک

وزیر امور خارجه ممکن است شخصاً مذاکرات مربوط به تعهدات بین‌المللی را انجام ندهد، اما باید علی‌الاصول در جریان مذاکرات به عمل آمده توسط سایر وزارت‌خانه‌ها قرار گیرد. به این ترتیب فرمان ناپلئون مورخ ۲۵ دسامبر ۱۸۱۰ که روابط خارجی را در انحصار وزارت امور خارجه قرار می‌داد با آنکه گاهی هر متون قانونی یا مقررات و آیین‌نامه‌ها به آن اشاره می‌شود امروزه عملاً متروک شده اما در هرحال، با وزیر امور خارجه است که بسته به مورد در وهله اول اعمال مربوط به تصویب یا تأیید و پذیرش را به جریان اندازد سپس به درج در روزنامه رسمی اقدام کند. البته وزارت امور خارجه همیشه در جریان تمام مذاکرات منتهی به انعقاد موافقت‌نامه‌ها قرار نمی‌گیرد و تا چندی قبل بی‌نظمی خاصی در زمینه انتشار موافقت‌نامه‌های بین‌المللی وجود داشت که از زمان تأسیس «مدیریت امور حقوقی» مساعی در جهت ایجاد نظم بعمل آمده است. ابتکار عمل در اقدامات اجرایی قراردادهای بین‌المللی نیز در حقوق فرانسه با وزارت امور خارجه است به شرط آنکه در جریان امر قرار گرفته باشد. وزارت امور خارجه باید با وزارت‌خانه منعقدکننده قرارداد تماس برقرار کند تا زمینه تنظیم تصویب‌نامه یا دستورالعمل‌های لازم را بسته به اهمیت اقدامات اجرایی در سطح ملی فراهم نماید. غالباً به این منظور وزراء جلساتی تشکیل می‌دهند، اگر وزارت خارجه خود به تنهایی نمایندگی دولت فرانسه را در سازمانی داشته باشد، مانند سازمان ملل متحد، و یا مشترکاً دارای نمایندگی باشد مانند کمیسیون مرکزی رود رن اطلاعات لازم را خواهد

داشت و نقش او آسان خواهد بود اما اگر نمایندگی مزبور متعلق به یکی از وزارت خانه‌های دارای جنبه فنی باشد (مثلاً نمایندگی در سازمان بین المللی هوانوردی کشوری یا سازمان جهانی بهداشت) به نظر می‌رسد که نقش وزارت امور خارجه سخت خواهد شد و اقدامات اجرایی هم همیشه در شرایط مطلوب صورت نمی‌گیرد (ضمائم معاهده شیکاگو راجع به هوایمایی کشوری بین المللی). البته در موردی دیگر دیدیم که قانون شماره ۱۲۶۴-۷۰ مورخ ۲۳ دسامبر ۱۹۷۰ مقرراتی در زمینه نظارت بین المللی بر صید دریایی را که در معاهدات بین المللی پیش بینی شده بود در قلمرو حقوق جزای فرانسه وارد نمود. گاهی ممکن است وزیر امور خارجه رأساً در فعالیتهای سازمانی بین المللی شرکت کند اما به اجرا درآوردن ضوابط بین المللی تعیین شده، به جهت فنی بودن محور کار از توان این وزارت خانه خارج باشد. به عنوان مثال در مورد کمیسیون رودخانه موزل که در آن نماینده‌ای از وزارت خارجه شرکت کرده بود مقررات انتظامی مربوطه در روزنامه رسمی منتشر نگردید و توسط فرمانداری موزل به عنوان مقام انتظامی مربوطه به عمل گذاشته شد. در مورد مقررات مربوط به تعرفه عبور نسخه آن در مسیر رود (پله آبی) نصب می‌شود. به این ترتیب ایجاد ارگان‌نظامی دائمی از نوع ارگان‌نظامی جامعه اروپا لازم به نظر می‌رسد.

ب. روش معمول در تعهدات مربوط به جامعه‌های اروپایی

اول. از نظر تشکیلاتی

در این زمینه دبیرخانه کمیته بین الوزراء مربوط به همکاریهای اقتصادی اروپایی (S.G.C.I) نقش بارزی ایفا می‌کند. رکن مزبور متشکل از ۸۰ نفر، در سال ۱۹۴۸ ایجاد شده و وظیفه اجرای معاهده O.E.C.E. را داشته است. جهت گیری آن در سال ۱۹۵۸ از بنیان تغییر کرده و نه تنها در آماده سازی مواضع فرانسه در مذاکراتی که منجر به اخذ تصمیم در چهارچوب جامعه‌ها می‌گردد مؤثر است بلکه در سطح اجرای آن

تصمیمات نیز ایفای نقش می‌کند.^{۱۰} ارگان‌نیم مزبور که در ارتباط نزدیک با وزارت امور خارجه است بر اجرای حقوق جامعه مراقبت دارد و این امر مستلزم ارتباط با دفاتر تخصصی وزارت خانه‌های فنی مختلف نیز می‌باشد. دبیرخانه مذکور متونی را که از سوی نمایندگی دائمی فرانسه در جامعه‌های اروپایی ارسال شده است به وزارت خانه‌ها ابلاغ می‌کند، با وزارت خانه‌های ذینفع جهت پیش بینی اقدامات اجرایی تماس برقرار می‌نماید و جلسات میان وزراء را ترتیب می‌دهد و احياناً کمیته بین‌الوزراء را چنانچه داوری نخست وزیر ضروری بنظر رسد تشکیل می‌دهد. کمیته بین‌الوزراء هیچگاه تشکیل جلسه نداده است و حکمیت آن خارج از چهارچوب تشریفاتی می‌تواند انجام شود. وجود دو کمیته فنی را نیز باید یادآوری نمود: یکی برای CEE و CECA و دیگری برای اوراتوم. کمیته‌های مزبور موظفند اقدامات اجرایی مربوط به سه معاهده فوق را تعقیب کنند.

دوم. به اجرا گذاشتن اصول مختلف

اجرای حقوق اصلی جامعه اروپا^{۱۱} در فرانسه تولید اشکال خاصی نمی‌کند چون ضوابط و قواعد حقوق مشتق یا متفرع^{۱۲} در جهت تسهیل آن عمل می‌کند. در زمینه حقوق متفرع باید بین انواع مختلف قواعد کلی تفکیک قائل شد. در درجه نخست آیین نامه‌ها^{۱۳} قرار دارند هرچند که از جنبه نظری مقررات مزبور به علت درج آنها در روزنامه رسمی جامعه مستقیماً قابل اجرا در فرانسه هستند ولی مقامات فرانسوی براساس ماده ۵ قرارداد CEE که دولتهای عضو را در تسهیل اجرای امور جامعه دعوت می‌کند معتقدند که بنابروظیفه باید در تکمیل کار انتشار و مؤثر افتادن

۱۰. گزارش پ. آشار در جامعه اروپا حقوق اداری فرانسه، پاریس، L.G.D.J. ۱۹۷۲، ص ۲۵

11. Droit communautaire originaire

12. Droit communautaire Derivé

13. Réglements

مقررات جامعه مساعی خاصی بکار برند.^{۱۴} به این منظور از یک سو با استفاده از روش معمول ابلاغ بخشنامه و دستور یا یادداشت اداری، انتشار مقررات را به نحو مطلوب تأمین می کنند و با این کار در عین حال وظایف محوله به تشکیلات داخلی که مأمور اجرای حقوق جامعه هستند اعلام می شود از سوی دیگر مقامات مسؤول مزبور براساس صلاحیت ناشی از مقررات موجود در حقوق جامعه اروپا و یا به موجب تئوری «اشتغال مضاعف» اقدام به اجرا می کنند. بنابراین بسیار مشکل است که میان مقررات و تصمیماتی^{۱۵} که در مورد دولتها اتخاذ می شود تفکیک نمود و از این رو ماهیت بعضی اقدامات شورای جامعه در این که جزو مقررات محسوب می شوند یا نه ممکن است مورد تردید قرار گیرد. دولت فرانسه در یک مورد چنین معتقد بود که یک نمونه از مقررات مذکور ابلاغ شده به یک دولت عضو در واقع تصمیمی بوده است که قابلیت اجرایی خودبخود نداشته و ناشی از تصویبنامه بوده است.^{۱۶} براساس رأی شورای دولتی مورخ ۱۹۶۴ اجرای مقررات جامعه از انواع شبیه به نظام اجرای قانون در حقوق داخلی است بدین معنی که منوط به استفاده از اختیارات در زمینه وضع مقررات و آیین نامه است. به این ترتیب مقررات جامعه ها معمولاً از طریق تصویبنامه، دستورالعمل وزیر یا وزراء اجرا می شود و چون در امضا و رسمیت اسناد فوق همیشه به متون مربوطه جامعه اشاره نمی شود به راحتی نمی توان تشخیص داد که آیا در برابر اجرای حقوق جامعه قرار داریم یا چیز دیگر. ولی در هر حال اجرای حقوق جامعه به معنای محرومیت مجلس از موارد پیش بینی شده در قرارداد رم نیست و به هر حال مسأله تفکیک میان موارد قانونی و مقررات وجود دارد؛ مثلاً هنگامی که مقررره جامعه حذف

۱۴. اظهارات وزیر دادگستری در مجلس شورا، روزنامه رسمی، مذاکرات مجلس، ۷ ژوئن ۱۹۶۳، ۳۰۹۹- لی پرات، آثار مقررات قرار داد مؤسس CEE روی حقوق اداری فرانسه نشریه حقوق اروپایی، ۱۹۶۸، ص ۱۹ و بعد.

15. Décision

۱۶. س. کنسا نتینیدس- مگره، حقوق بازار مشترک و نظام حقوقی دول عضو، پاریس ۱۹۶۷ L.G.D.J.، ص ۵۵

اسناد (مثلاً کارت کار کارگر خارجی برای اتباع کشورهای جامعه) پیش بینی شده در قانون (قانون کار) را مقرر می دارد لازم است که قانون تفسیر کند. به این ترتیب نارسایی های رویه قانونگذاری در فرانسه تاکنون موجب محکومیت دولت براساس اصل ۱۶۹ معاهده بازار مشترک گردیده است. به عنوان مثال در پرونده ۱۶۷-۷۳ که در ۴ آوریل ۱۹۷۴ در دیوان عدالت جامعه اروپا مورد رسیدگی قرار گرفت، دیوان فرانسه را محکوم به عدم انجام تعهدات خود نمود چون سنا لایحه قانونی مبنی بر هماهنگ کردن قانون کار دریایی با مقررات جامعه اروپا در زمینه آزادی تردد کارگران را رد کرده بود. از نظر شورای دولتی درج مفاد مقررات جامعه اروپا در متون قانونی فرانسه به منزله تغییر آن متون به متون فرانسوی است، که دارای نتایجی از نظر کنترل و تفسیر نیز خواهد بود که البته با قرارداد رم هم از این نظر مباینت خواهد داشت. مقررات جامعه اروپا قابلیت اجرای تام و کامل دارند و بنابراین نه تنها مقررات داخلی مخالف را ملغی می کنند بلکه مقررات موافق را نیز بلا اثر می نمایند. این موضوع گاهی در تصویب نامه ها بیان شده است.^{۱۷} استفاده از بخشنامه که فقط ارزش اعلامی دارد از تصویب نامه بهتر است چون تصویب نامه خود ایجاد کننده قاعده یا نرم است. برای اجتناب از تعارضات میان مقررات جامعه اروپا و مقررات داخلی گاهی جهت رفع هرگونه ابهام، مقررات داخلی رسماً لغو می گردد.

مسأله اجرای مقررات جامعه اروپا مسأله ضمانت اجرای تخلفات نسبت به این مقررات را نیز در پی دارد. نقض مقررات مذکور مسلماً تضمینات جزایی در پی ندارد و فقط جنبه اداری دارد. به موجب همین مقررات عموماً اختیار هرگونه اقدام لازم جهت مجازات به دولتهای عضو واگذار شده است. اما ماده ۱۵-۲۶ R قانون جزای فرانسه که مجازات نقض مقررات اداری را که از طریق قانونی وضع شده اند تعیین می کند در

۱۷. رجوع کنید، نمونه ها، م. بیگی در «اجرای مقررات جامعه در حقوق جزای فرانسه» نشریه سه ماهه حقوق اروپایی، ۱۹۷۱، ص ۵۳ و بعد

اینجا غیر قابل اجراست زیرا فقط ناظر بر اعمال مقامات فرانسوی است.^{۱۸} بنابراین اعمال سه رویه امکان پذیر است:

- ادخال جرایم علیه مقررات جامعه اروپا در حوزه عمل حقوق جزای

فرانسه.

- وفق دادن مفاد بعضی مقررات داخلی با ضرورت‌های جامعه اروپا هنگامی که این قواعد اجازه این عمل را بدهند. لغو صریح مقررات داخلی مخالف و حتی موافق.

- تصویب بعضی از صور اعمال مقررات جامعه اروپا که توسط همان مقررات به ابتکار دولتهای عضو گذاشته شده است.

عملاً برای ادخال یا ادغام "مقررات جامعه اروپا در حقوق فرانسه از ادغام آنها در نظام جزایی به طریق ارجاع" استفاده می‌کنند و اگر مجازاتهای خاصی جهت پاسخگویی به جرایمی پیش بینی شود که در متون فرانسوی وجود ندارد استثناء بر اصل است. در اغلب موارد مقررات فرانسه مجازات جرایم نسبت به مقررات جامعه اروپا را به صورت ارجاع به متن اصلی قانون ذکر می‌کنند و بنابراین مقررات جامعه اروپاست که پایه و اساس مجرمیت را تشکیل می‌دهد. گاهی دیده شده که بعضی از مقررات ادارات دولتی مجوز مجازات جرایم نسبت به مقررات جامعه اروپا را که هنوز از اقتدار قانونی برخوردار نیست فراهم سازد و آن هنگامی است که مقررات مذکور مربوط به اجرای مفاد مقررات قبلی باشد. این راه حل که توسط مجمع عمومی شورای دولتی پذیرفته شده است همانطور که م. بیگی، معتقد است عملاً منتهی به «تفویض حقیقی صلاحیت در زمینه جزایی به ارگانهای جامعه اروپا می‌گردد، به علاوه اجرای مستقیم مقررات جامعه اروپا بعضی جرایم داخلی را که تا آن هنگام به موجب قوانین داخلی مجازات می‌شد زائل می‌کند و این مسأله در بخشنامه‌ها دیده شده است.

۱۸. م. بیگی، مذکور و «حقوق جامعه اروپا و حقوق جزا»، نشریه مذکور، ۱۹۷۲، ص ۲۷

19. Intégration

20. Référence

اما در عوض خط مشی های کلی "جامعه اروپا علی الاصول مستقیماً در فرانسه قابل اجرا نیست." "اجرای خط مشی یا دستور کلی مستلزم وضع مقررات اجرایی است که باز مبتنی بر تقسیم صلاحیت ها در زمینه قانونی و مقررات اجرایی است." "اگر خط مشی ها راجع به موضوعات قانونگذاری باشد، دولت فرانسه با توجه به بعضی مشکلات رویه پارلمانی در این کشور از پارلمان اختیار لازم را جهت اجرای خط مشی مربوطه در زمینه آزادی اقامت و آزادی ارائه خدمات از طریق دستورالعمل کسب می نماید. سه ماده قانون متوالیاً در ارتباط با تفویض اختیار در ۱۴ دسامبر ۱۹۶۴، ۶ ژوئیه ۱۹۶۶ و ۲۶ دسامبر ۱۹۶۹ براساس ماده ۳۸ قانون اساسی تصویب شده است که قابلیت اعمال ماده فوق الذکر در زمینه ای غیر از زمینه اجرای مستقیم برنامه های دولت از ابتدا مورد سؤال واقع شد و طول مدت برخورداری از صلاحیت مزبور نیز مورد انتقاد قرار گرفت. طبق مقررات قانون اساسی، دستورالعمل های مذکور می باید به موجب قانون به تصویب مجلس برسد. دو قانون اول مربوط به اعطای اختیارات، تصویب کلی دستورالعمل را در انقضای مهلت برخورداری از اختیارات، پیش بینی می کند ولی سومین قانون تأیید مجلس را در خلال انتشار دستورالعمل جایز می داند. خط مشی های از نوع مرتبط با مقررات از طریق تصویب نامه و دستورالعمل بین وزارتخانه ها یا وزارت خانه بخصوص و یا حتی از طریق بخشنامه به موقع اجرا گذاشته می شوند. بالاخره در مورد سومین دسته از قواعد کلی حقوق متفرع جامعه اروپا، یعنی «تصمیمات» باید بین تصمیمات راجع به دولت فرانسه و تصمیمات راجع به اشخاص تمایز قائل شد. اگر تصمیمات شورای جامعه اروپا متوجه دولت فرانسه باشد مقامات فرانسوی تصمیمات اجرایی اتخاذ خواهند کرد چون لازم است آنها را به

21. Directives

۲۲. دیوان عالی کشور، جنایی، ۷ نوامبر ۱۹۷۳، ۱۹۷۳، P ص ۱۵۲

۲۳. ر. کولر و پ لاگارد و تالون «اجرای دیرکتیوها در حقوق فرانسه»: «دفتر حقوق اروپایی»، ۲۷۳، ۱۹۷۰

صورت مقررات حقوق داخلی درآورند. اقدامات مزبور بسته به موضوع یا به شکل قانون یا تصویبنامه و یا دستورالعمل خواهند بود.^{۳۳} معذک به نظر می رسد که نوعی تحول در این زمینه ایجاد شده باشد: ابتدا دولت فرانسه معتقد بود که نظام مربوط به تصمیمات نظیر نظام مربوط به دیرکتیو است؛ زمانی نیز مسأله به اجرا در آمدن تصمیمات را با اجرای قانون مقایسه می کرد بدین معنی که اجرای تصمیمات را انحصاراً در اختیار قوه مجریه قرار می داد بدون آنکه پارلمان در این امر دخالتی داشته باشد. تکامل مزبور به ویژه در زمینه گمرکی محسوس بوده است. از سال ۱۹۶۴ در زمینه گمرکی تصویبنامه های راجع به اجرای تصمیمات جامعه های اروپایی دیگر آن طور که در قانون گمرکات پیش بینی شده بود به تصویب مجلس نمی رسید.^{۳۴} اگر تصمیمات متوجه اشخاص بود چنانچه تعهدات مالی در بر نمی داشت، دولت فرانسه ذی مدخل نمی گردید اما اگر در برمی داشت براساس ماده ۱۹۲ قرارداد اصلی جامعه، تصمیمات خود اجرای خود را در پی داشت و اجرای لامحاله آنها تحت نظام حقوق داخلی انجام می گرفت. براساس همان ماده، برای اجرا به صورت فوق، امضا یا تأیید یکی از مقامات دولت فرانسه لازم است. رئیس جمهوری در سال ۱۹۶۴ گفته است که احتمالاً صلاحیت مزبور یا تفویض امضا در هر مورد خاص را حق خود می داند ولی عملاً چنین وضعیتی به وجود نیامده است.

۳. اصول مربوط به رویه قضایی

درباره رویه دادگاهها، مسأله کنترل صحت تصویب یا پذیرش و انتشار و تفسیر و مسائل ناشی از روابط بین موافقت نامه ها و تعهدات دولت فرانسه با حقوق داخلی قابل ذکر است.

۲۴. استثنائاً یک بخشنامه نیز ممکن است حاوی همان مفاهیم باشد (ر.ک. ژ. ویل، پاریس، ۲۴ نوامبر ۱۹۶۲؛ دفتر خدمات حقوقی برق و گاز ۱۹۶۳، ۲۰۱)

۲۵. در این باره گزارش ب. تین و ه. لیگون، FIDE، پاریس ۱۹۶۵ و سوپه و مگرو، هفته بروز، ۱۹۶۵ ص ۱۲۱

الف. صحت تصویب یا پذیرش

در زمینه کنترل مزبور رویه دادگاه اداری کنترل محدود است ولی رویه قضایی دادگاههای عادی روش قاطعی در این باره بجای نگذاشته است. از دیرباز سند تصویب به علت خاصیت و طبیعت آن قابل ارجاع به شورای دولتی نیست.^{۲۶} عمل مزبور را نمی توان از مراحل انعقاد قرارداد جدا و منفک دانست.^{۲۷} اگر مسأله بررسی تجاوز از حدود اختیارات باشد کنترل در مورد انتشار قراردادها و معاهدات بین المللی به عیوب خاصه آنها در این زمینه محدود می گردد. عیبی که تصویب یا الحاق فرانس را به یک قرارداد بین المللی ناقص کند قابل طرح در شورای دولتی نیست.^{۲۸} حتی این سؤال پیش آمده بود که آیا شورای دولتی در صورت فقدان تصویب یا پذیرش حاضر به بررسی و قبول نتایج آن هست یا نه؟ در این مورد دادگاه عالی اداری (شورای دولتی) در یک مورد پیروی از نظر کمیسر خود را که به او پیشنهادی کرده بود تا از اجرای قراردادی به علت عدم تصویب صرف نظر کند رد کرد.^{۲۹} اما متعاقب آن همین شورا برخلاف روش قبلی خود از اجرای یک قرارداد ساده که مورد پذیرش قرار نگرفته بود امتناع کرد.^{۳۰} اتخاذ روش مزبور ممکن است به دلایل خاصی باشد. شورا گاهی می گوید «معاهده نه تصویب شده نه منتشر» و گاهی می گوید «نه تأیید شده نه منتشر» در حالی که برای مستند قرار نگرفتن آن در دادگاه فقدان انتشار کافی است. شورای دولتی می تواند تصویبی ضمنی را بسته به

۲۶. شورای دولتی ۵ فوریه ۱۹۲۶، خانم کاراکو، مجموعه لوین ص ۱۲۵

۲۷. شورای دولتی ۲۷ ژوئن ۱۹۵۸، ژورژه: D ۱۹۵۹، ۱۲۵

۲۸. برتراند، شورای دولتی ۱۶ مارس ۱۹۶۶ "J.C.P., Cartel d'action moral et social"؛ ۶۷، II ۵۷-۱۵۰؛ نیز شورای دولتی ۱۹۶۱، نشر عمومی حقوق بین الملل عمومی ۱۹۶۱، ۶۲۶، یادداشت ش. روسو

۲۹. شورای دولتی ۱۶ نوامبر ۱۹۵۶، ویلا نشریه حقوق عمومی ۱۹۶۷، ۱۲۳ لوران

۳۰. شورای دولتی ۱۳ ژوئیه ۱۹۶۵، شرکت نوگاتور، مجموعه لوین ص ۲۲۳، فورنیه

شرایط استثنایی قبول کند.^{۳۱} به عقیده یک مفسر صاحب نظر رویه اداری، قاضی اداری، با مهارت و زیرکی بسیار، وجود واقعی تصویب یا پذیرش را کنترل می کند،^{۳۲} اما در رویه قضایی دادگستری به ویژه بعضی از دادگاههای استیناف دقت و سخت گیری بیشتری در مورد صحت تصویب یا پذیرش دیده می شود. بسیاری از دادگاههای استیناف اجرای قراردادی بین المللی را که به تصویب نرسیده بوده رد کرده اند.^{۳۳} دیوان عالی کشور در همان قضیه ای که شورای دولتی با نظر کمیسر خود مخالفت کرد (مذکور در بالا) من غیرحق خاطر نشان کرد که قراردادی که تصویب شده است و منتشر شده طوری است که نمی توان اعتبار آن را در مقابل مقامات قضایی انکار کرد.^{۳۴} به عقیده دادستان «حقوق موضوعه فرانسه کنترل مقام قضایی را مبنی بر تأیید اعتبار قرارداد پذیرفته بود.^{۳۵} با توجه به اینکه تعداد تصمیمات متخذه توسط دادگاهها براساس قراردادی که صحیحاً تصویب و منتشر شده» زیاد است این سؤال پیش می آید که شاید دیوان کشور، بطور ضمنی صلاحیت دادگاههای وارد در ماهیت دعوا را برای کنترل صحت تصویب قبول داشته باشد. به عنوان مثال در قضیه ای که در آن قاضی تصویب را معیوب می دانست، دیوان کشور برعکس به صحت روش تصویب اعتقاد داشت.^{۳۶} اما در رأیی جدیدتر دادگاه پاریس اعلام کرد که

۳۱. شورای دولتی، ۲۱ مارس ۱۹۵۷، شرکت معادن و ذوب، وی اس مزون، مجموعه لوین ص ۲۳۰.

۳۲. ر. اوآن، اختلاف ادلری، ۷۱-۱۹۷۰ ص ۱۲۲.

۳۳. ری ام، ۲۶ ژانویه ۱۹۵۰ و روان اکتبر ۱۹۵۰، J.C.P., ۵۱، ۵۱۴۶ II، یادداشت از مانیول و کرینه.

۳۴. دیوان کشور، ۱۱ مارس ۱۹۵۳، ۱۹۷، بحث از بلانشه، نشریه انتقادی حقوق بین الملل خصوصی، ۱۹۵۳، ۱۱۳، گزارش لاگارد.

۳۵. دیوان کشور، ۲۵ ژوئیه ۱۸۸۷: D ۱۸۸۸، ۱۵، گزارش لویلنیه، یادداشت از ساروت؛ ۱۸۸۸، ۰، ۱۱۷، حاشیه لیون کائن.

۳۶. دیوان کشور، حقوقی، ۶ ژوئیه ۱۹۵۴، نشریه انتقادی حقوق بین الملل خصوصی، ۱۹۵۴، ۶۱۲، حاشیه، ه. لوناتان.

«دادگاههای مدنی حق ندارند راجع به صحت روش تصویب و انتشار قراردادهای بین المللی اظهار نظر کنند» و در همان رأی اعلام می دارد که قرارداد ساده ای نیز که پذیرش آن باید موکول به اجازه مجلس می بوده قابل اجرا می باشد.^{۳۷}

ب. صحت انتشار

رویه قضایی محاکم اداری و محاکم قضایی بطور ثابت و هماهنگ انتشار معاهدات بین المللی را برای قابل اجرا شدن آنها در حقوق داخلی فرانسه لازم دانسته است به علاوه از نظر آنها انتشار مزبور باید صحیحاً انجام بگیرد.^{۳۸} به نظر شورای دولتی انتشار باید در روزنامه رسمی انجام گیرد نه در یک نشریه صنفی یا شغلی^{۳۹} و در روزنامه رسمی هم باید در قسمت «قوانین و تصویبنامه ها جای گیزد نه در قسمت «اعلانات و آگهی ها».^{۴۰} همچنین شورای دولتی معتقد است که اصلاحیه (تصحیح) در روزنامه رسمی اگر فقط منحصر به تصحیح یک اشتباه کاملاً صوری نباشد و متون منتشره قبلی را تغییر دهد فاقد ارزش خواهد بود.^{۴۱} باید دقت کرد که انتشار در روزنامه رسمی کافی نیست تا حالت قرارداد حاصل شود و ارزش قانون پدید آید.^{۴۲} اما مسأله این است که محاکم قضایی قراردادهای بین المللی منتشره نشده را هم ملحوظ قرار می دهند. محاکم مزبور از

۳۷. پاریس ۱۸ ژوئن ۱۹۶۸: ۶۹J.C.P. II، ۱۵۷۲۵ و حاشیه

۳۸. دوس. روریس کلاسور حقوق بین الملل، جلد A - ۱۲، شماره ۶۸؛ راجع به عدم انتشار توافقات ترک مخاصمه، P. ۷ لول، «انتشار به عنوان شرط اعمال معاهده توسط دادگاهها» نشریه اقتصادی حقوق بین الملل، ۱۹۶۱، ص ۱۰۲-۹۹.

۳۹. شورای دولتی، ۳۰ اکتبر ۱۹۶۲، شرکت پروژازه، مجموعه لوین، ۲۹۶.

۴۰. شورای دولتی، ۱۳ ژوئیه ۱۹۶۵، شرکت ناویگاتور، مجموعه لوین ص ۲۲۲.

۴۱. شورای دولتی، ۱۶ مارس ۱۹۶۶، مجموعه لوین، ص ۲۱۱.

۴۲. مانند انتشار اعلامیه جهانی حقوق بشر

قراردادهای نامبرده نتایج حقوقی می گیرند،^{۳۳} بدون آنکه احکام و دستورات دقیقی از آن استخراج نموده به متداعیین بار نمایند.^{۳۴} مثلاً واقعیت وجودی یک دولت خارجی را که دولت فرانسه با آن قرارداد بسته استنتاج می کنند^{۳۵} و یا به عنوان اطلاع و آگاهی به قرارداد استناد می نمایند. وضعیت مذکور با مفاد تصویبنامه ۱۴ مارس ۱۹۵۳ که انتشار در روزنامه رسمی را فقط برای متون مؤثر در وضعیت حقوقی اشخاص لازم می داند مطابقت دارد. البته دیده شده که در مورد دیگری که بین المللی بودن یک قرارداد (میان فرانسه و یوگسلاوی) می توانست مورد انکار قرار گیرد،^{۳۶} دادگاه اداری پاریس و رئیس دادگاه استان پاریس که به عنوان قاضی انجام وظیفه می کردند عیلاً اینک قرارداد منتشر نشده بود حقوقی را که یک شرکت خارجی می توانست از آن بهره مند شود محدود اعلام کردند.^{۳۷}

ج. تفسیر

در مورد قراردادهای بین المللی «کلاسیک» رویه قضایی محاکم اداری که اصولاً با احتیاط عمل می کند با رویه مسلط محاکم قضایی تفاوت می کند، ولی در مورد قراردادها و تعهدات مربوط به جامعه اروپا هر دو نوع محکمه (بیشتر در سطح دادگاههای عالی) از مفهوم "acte clair" (توضیح در زیر) پیروی می کنند ولی عملاً به نتیجه یکسان نمی رسند.

۳۳. روان ۱۳ اکتبر ۱۹۵۹ و دادگاه استان سن ۱۲ فوریه ۱۹۶۰ تفسیر از پ. اول. نشریه انتقادی حقوق بین الملل خصوصی، ۱۹۶۵ ص ۱۸۳ و بعد

۳۴. پ. اول، همانجا ص ۱۰۲

۳۵. دادگاه استان سن، ۱۵ مارس ۱۹۶۷، J.C.P. ۶۸ II و ۱۵۲۵۷ و نظرات دیگر.

۳۶. ف. لاشوم، سالنامه فرانسوی حقوق بین الملل ۱۹۷۱، ۱۹۲

۳۷. دادگاه اداری پاریس، ۱۰ فوریه ۱۹۷۰ و دادگاه استان پاریس، ۸ ژوئیه ۱۹۷۰، J.C.P. ۷۱ II، ۱۹۸۰

۱. تفسیر قرار دادهای بین المللی کلاسیک در رویه قضایی

در رأیی قدیمی^{۴۸} محاکم اداری بر عدم صلاحیت خود در تفسیر معاهدات بین المللی تأکید دارند. "جالب توجه است متذکر شویم که راه حل شورای دولتی در این زمینه به تئوری "acte clair" استناد می کند"^{۴۹} یعنی به نظر شورای دولتی مسأله ای که قبل از ورود به دعوا باید حل کرد وجود ندارد مگر آنکه (همانطور که لاویر متذکر شده است) معنی و دامنه شمول یکی از مواد قرارداد موجب بروز «اشکالی شود که آن اشکال موجب شک در ذهن روشن گردد». در رویه قضایی شورای دولتی تردید مذکور بسیار پیش می آید بخصوص در مورد مقررات قراردادی بین المللی کلاسیک. اما محاکم قضایی روش متنوع تری اختیار می کنند. محاکم مزبور سعی می کنند بین مسأله الزامی بودن دادرسی (ماده ۴ قانون مدنی) و احتراز از ایجاد مشکلات دیپلماتیک برای دولت فرانسه سازشی ایجاد نمایند چون معاهده بین المللی مولود اراده دو یا چند دولت است.^{۵۰} بدین ترتیب محاکم قضایی و بخصوص شعبه اول مدنی دیوان کشور از سالها پیش موضوع دعاوی ذوجنبتین خصوصی و مربوط به نظام عمومی بین المللی را رها کرده و به این ترتیب عدم صلاحیت خود را در موارد مربوط به حقوق بین الملل محدود کرده اند.^{۵۱} معذک شعبه جنایی دیوان کشور، موضعی تقریباً منفرد اتخاذ کرده است.^{۵۲} این رویه دیوان عالی قضایی شبیه رویه شورای دولتی است که معتقد است که معاهدات

۴۸. شورای دولتی، ۳ سپتامبر ۱۸۲۳، روزمن، مجموعه لوین، ص ۶۷۵.

۴۹. رویه قضایی، مذکور ز. دھوسی؛ J.C.P. حقوق بین الملل، جزوه، C ۱۲۰ شماره ۲۴

۵۰. ر. لران، مذکور، ص ۱۳۱

۵۱. آ. بلوندو. اجرای حقوق قراردادی توسط دادگاههای نظام قضایی فرانسه در اجرای حقوق بین الملل توسط قاضی فرانسوی. مطالعات انجمن فرانسوی حقوق بین الملل، گرونوبل، ۱۹۷۰، آ.کولن، ۱۹۷۲، ص ۴۹.۵۰

۵۲. رویه قضایی، مذکور، گزارش آ. بلوندو.

۵۳. ل. بوآبه «قضیه اسکرییت لمبار» راجع به صلاحیت محاکم قضایی در زمینه تفسیر قراردادها، J.C.P. ۶۶، I، ۲۰۳۶

بین المللی اسنادی هستند که از نظر اداری در مرتبه بسیار بالایی قرار دارند و تفسیر آنها در موارد لزوم فقط با مقاماتی است که آن را منعقد نموده اند.^{۵۳}

۲. تفسیر حقوق جامعه اروپا در رویه دادگاهها

رویه محاکم قضایی و محاکم اداری لااقل در سطح دادگاههای عالی هر دو به مفهوم "acte clair" اهمیت می دهند و با وجود آنکه ارجاع به دیوان عدالت جامعه اروپا به موجب ماده ۱۷۷ پیش بینی شده است ارجاع خودبخود به آن دیوان را برای تفسیر لازم نمی بینند ولی عملاً به نظر می رسد که شورای دولتی مفهوم "acte clair" را به نحو موسع درک نموده باشد که مخالف برداشت مضیق معمول در تفسیر معاهدات بین المللی کلاسیک باشد. به همین دلیل است که تا کنون با وجود آنکه دیوان کشور به دفعات به «دیوان عدالت» جامعه اروپا رجوع کرده اما شورای دولتی فقط یکبار تقاضای تفسیر از دیوان مذکور نموده است.^{۵۴} تقاضاهای تفسیر که توسط محاکم قضایی تالی به عمل آمده متعددتر است.^{۵۵} در مورد اینکه تفسیر انجام شده توسط دیوان عدالت جامعه اروپا در محاکم فرانسه از اقتدار برخوردار است، بین محاکم مذکور اتفاق نظر وجود دارد.^{۵۶}

۳. احاله به مقامات دولتی

اگر ارجاع به ماده ۱۷۷ معاهده رم در زمینه حقوق جامعه اروپایی را مستثنی کنیم محاکم فرانسه هنگامی که خود را برای تفسیر معاهده صالح نمی بینند این کار را به مقامات دولتی فرانسه محول می کنند ولی در اینجا

۵۴. شعبه جنایی دیوان کشور، ۱ مه ۱۹۷۲، بولتن جنایی، ص ۴۰۳، و ۲۹ ژوئن ۱۹۷۲، ص ۵۹۵

۵۵. شورای دولتی، ۱۰ ژوئیه ۱۹۷۰، VII.C.P.، II-۱۶۷۰۱، حاشیه

۵۶. رویه قضایی، مذکور، ارسال ۱۹۶۵ در گاهنامه رویه قضایی فرانسه، مربوط به حقوق بین الملل، منتشره در سالنامه فرانسوی حقوق بین الملل.

۵۷. شعبه حقوقی دیوان کشور، ۲۱ مارس ۱۹۶۸، بولتن مدنی، II ص ۶۳. شورای دولتی، ۲۷ ژانویه ۱۹۷۱، ۱۹۷۱D.، ۶۲۵، حاشیه، رنو.

نیز شورای دولتی نسبت به رویه قضایی مدنی از خود قاطعیت بیشتری نشان می‌دهد (حداقل از رویه قضایی شعب حقوقی دیوان کشور قاطع‌تر است). علی‌الاصول شورای دولتی کار تفسیر معاهده را به وزیر امور خارجه محول می‌کند چون معتقد است که وزیر امور خارجه به علت شرکت در مذاکرات با دولت یا دولتهای طرف معاهده صالح‌ترین مقام برای تفسیر است حتی اگر معاهده جنبه فنی هم داشته باشد و متخصصین سایر وزارتخانه‌ها هم آن را منعقد کرده باشند باز وزارتخانه مذکور صالح است.^{۵۸} در این موارد قاضی اداری برخلاف مواردی که منوط به ارجاع به دادگاههای قضایی است شخصاً مسأله را به وزارت امور خارجه ارجاع می‌کند. شعبه جنایی دیوان کشور هنوز هم بر لزوم تفسیر توسط وزارت امور خارجه منتشره در روزنامه رسمی تأکید دارد^{۵۹} ولی شعب حقوقی به نامه از سوی وزارتخانه اکتفا می‌کنند که به عنوان مثال از سوی وزارت دارایی صادر شده باشد.^{۶۰} بعضی دادگاههای مادون حتی تفسیری را که با نامه خطاب به ذینفع^{۶۱} و یا به سفارتخانه کشور خارجی طرف قرارداد انجام گیرد قبول دارند.^{۶۲} در عمل قرار تعلیق اگر صادر شود دادستان کل را موظف می‌کند که نظر تفسیری وزیر خارجه را جویا شود و این کار را پارکه از طریق وزارت دادگستری انجام می‌دهد. معذک گاهی قاضی عمل تفسیر را به طرفی که مهارت و نظرات بیشتری در موضوع دارد محول می‌کند و در این مورد قابل ذکر است که غیر از وزارت امور خارجه وزارت خانه های دیگری که دارای صلاحیت فنی هستند امروزه در امر تفسیر بیش از پیش

۵۸. ر. ادان، مذکور، ص ۱۲۵، تفسیر توسط یک وزارتخانه وزارت تعاون (شورای دولتی)، ۲۳ فوریه ۱۹۲۲، مجموعه لوین، ص ۱۱۸.

۵۹. رویه قضایی، مذکور، J.C.P. ۱۷، ۱۶۲۲۸.

۶۰. دیوان کشور حقوقی، ۲۱ نوامبر، ۱۹۵۶، کلونه ۱۹۵۸، ۷۶۰.

۶۱. اکی، ۲۰ دسامبر، ۱۹۶۵، کلونه، ۱۹۶۶، ۱۰۸، حاشیه برودن.

۶۲. دادگاه استان سن ۲۹ مارس ۱۹۶۰، J.C.P. ۱۶۱، ۱۲۱۶۱ و حاشیه ریگو.

مداخله می کنند.^{۳۳} این را هم باید افزود که محاکم اداری و محاکم قضایی اتفاق نظر دارند که تفسیر دولتی چه در موضوع درخواست شده^{۳۴} و چه در موضوعات مشابه حاکم بر قضیه است.^{۳۵}

مناسبات موجود میان موافقت نامه ها و تعهدات دولت فرانسه و حقوق داخلی این کشور

۱. اصل اولویت موافقت نامه ها و تعهدات بر قوانین

طبق اصل ۵۵ قانون اساسی فرانسه معاهدات ارزشی فوق قوانین دارند. رویه قضایی بر اصل فوق صحه گذاشته است^{۳۶} و حتی نسخ ضمنی قانون با معاهده را پذیرفته^{۳۷} اما برخلاف دادگاههای تالی^{۳۸} به نظر می رسد که دیوان کشور در اولویت دادن معاهده بر قانون مؤخر در صورت تعارض آشکار این دو تردید دارد^{۳۹} و شورای دولتی نیز در دعوایی که یکی از مقررات جامعه اروپا و قانونی داخلی مطرح بود همین روش را اختیار نمود.^{۴۰}

۳۳. رجوع کنید، ملاحظات ن. وال نیکوس، شعبه مدنی، ۲۸ مارس ۱۹۶۲، نشریه انتقادی حقوق بین الملل خصوصی، ۱۹۶۲، ۶۰.

۳۴. رجوع کنید، خلاف، دیوان کشور حقوقی، ۲۸ مارس ۱۹۶۲، نشریه انتقادی حقوق بین الملل خصوصی، ۱۹۶۲، ۶۰.

۳۵. رویه قضایی، حاشیه، ۱۶۲۲۸ II J.C.P.

۳۶. ژ. دوهونی ژوریسکلاسور حقوق بین الملل، A. ۱۲ شماره ۶۰۹۲-ژ.ف لاشوم گاهنامه رویه قضایی فرانسه در سالنامه فرانسوی حقوق بین الملل-ژ.ل. بون فوآو کلونه ۱۹۷۱، S. ۵۰۱-ژ. درون، نشریه حقوق عرفی ۱۹۷۲، S. ۱۸۰.

۳۷. دیوان کشور وحدت رویه، ۱۶ نوامبر ۱۹۵۵، J.C.P. ۶۸ II، ۱۵۳۲۰ حاشیه، IC از کومبالدیو.

۳۸. راجع به اولویت حقوق جامعه بر حقوق داخلی فرانسه ولو مؤخر، رجوع کنید، پاریس، ۷ ژوئیه ۱۹۷۳، D. ۱۹۷۲، ۱۵۹، حاشیه ژریدو.

۳۹. گزارش، آبلوندو، مذکور، ص ۶۱.

۴۰. شورای دولتی، اول مارس ۱۹۶۸، سندیکای عمومی سازندگان محصولات غذایی، مجموعه لوین ص ۱۲۹.

علیرغم آن که این روش در شورای دولتی مورد انتقاد قرار گرفته ولی در هر حال ناشی از همان طرز تفکری است که اعتقاد به نقش مضیق و محدود این دادگاه در تطبیق قوانین دارد و در تطبیق قوانین با قانون اساسی هم دیده می شود. با این ترتیب نهایتاً ماده ۵۵ فاقد هرگونه آثار علمی می گردد. در حقیقت بحث بر سر کنترل تطابق قوانین با قانون اساسی نیست بلکه مسأله کنترل تطابق قانون با معاهده است که در این زمینه هم شورای دولتی چندی بعد راجع به تصویبنامه ای مخالف با بعضی از مقررات «موافقت نامه های اوپان» در تأیید رویه خود اظهار نظر نمود.^{۳۱} لازم به ذکر است که از نظر دیوان کشور، در اجرای ماده ۵۵ حقوق متفرع جامعه اروپا همردیف معاهده است^{۳۲} و آثار مستقیم مقررات جامعه اروپا هم مورد سؤال نیست.^{۳۳} بنابراین می توان مجازات های جزایی نقض مقررات جامعه اروپا را به مانند مجازات نقض مقررات داخلی اعمال نمود. تاکنون برابر دانستن معاهده با حقوق متفرع جامعه اروپا در ارتباط با مقررات و تصمیمات شورای وزیران انجام گرفته است و نه در ارتباط با دیرکتیو یا خط مشی های کلی^{۳۴}

۲. ادغام موافقت نامه ها و تعهدات در حقوق داخلی

مفهوم ارزش برتر حقوق بین الملل بر قوانین این است که حقوق بین الملل در حقوق داخلی فرانسه بتواند وارد شود. روش مذکور اگر در مورد معاهدات و (حقوق اصلی جامعه اروپا) یا حقوق متفرع جامعه اروپا باشد بحثی ایجاد نمی کند اما مشکلات هنگامی بروز می کند که بخواهیم آثار تصمیمات و اعمال سازمانهای بین المللی را در حقوق فرانسه تعیین

۷۱. شورای دولتی، ۱۹ آوریل ۱۹۶۸، هایدا، مجموعه لوین طن ۲۴۳

۷۲. دیوان کشور، کیفری، ۲۲ اکتبر ۱۹۷۰، ۱۱۱ J.C.P. II، ۱۶۶۷۱ حاشیه، D.P.L. ۱۹۷۱، ۲۲۱، گزارش هزار و وریدو

۷۳. دیوان کشور، کیفری، ۷ ژانویه ۱۹۷۳، ۱۹۷۲ D، ۴۹۷، ۱۷۱۵۸ II ۷۲ JCP، حاشیه گرن

۷۴. پاریس ۱۹ آوریل ۱۹۷۲، ۱۷۱۵۸ II ۷۲ J.C.P. مذکور

کنیم. تاکنون قدرت قانون زای دو سازمان بین المللی یعنی سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری و سازمان بهداشت جهانی مسائلی بوجود آورده است. در مورد قابلیت اجرای مستقیم ضمیمه ۹ کنوانسیون شیکاگو، دیوان کشور اخیراً زویه قضایی سابق خود را تکرار نکرده است.^{۷۵} در آن رأی بین کنوانسیون شیکاگو و ضمانت آن از نظر قابلیت اجرای مستقیم تفاوتی قائل شده بود^{۷۶} و می دانیم که براساس تفسیری که در عمل از ماده ۲۸ کنوانسیون شیکاگو صورت گرفته است و به موجب آن تعهدات دولتهای عضو نسبت به ضوابط سازمان تعیین گردیده است لازم است ضوابط بین المللی در نظام حقوقی داخلی وارد شود.^{۷۷} با توجه به خصوصیات مربوط به روش های ادخال ضمانت کنوانسیون شیکاگو در حقوق داخلی فرانسه که حاکی از صلاحیت قانونگذاری سازمان مربوط است، دیوان کشور از وزارت امور خارجه در مورد اینکه آیا ضمانت کنوانسیون شیکاگو و خصوصاً ضمیمه ۹ مستقیماً و بلاواسطه در سرزمین فرانسه قابل اجراست یا نه سؤال کرده است که پاسخ منفی است. محاکم قضایی همچنین با مسأله قابلیت اجرای مستقیم و بلاواسطه مقررات بهداشتی بین المللی در فرانسه روبرو بوده اند. در این زمینه رأی دادگاه پاریس مبنی بر اینکه مقررات مذکور در داخل کشورهای عضو سازمان قابل اجرا نیست و اینکه «برای این کار لازم است مقرراتی در هریک از کشورهای امضا کننده وضع گردد» اشتباه به نظر می رسد^{۷۸} زیرا ماده ۲۲ اساسنامه سازمان بهداشت جهانی چنین مقرر می کند که در انقضای مهلتی معین اگر یکی از دول عضو تمایل خلافی نشان ندهد مقررات برای او اجباری و الزام آور خواهد شد. بنابراین برای دولتهای عضو سازمان هیچ اقدام دیگری هنگام تشکیل این

۷۵. دیوان کشور، جنایی، ۸ نوامبر ۱۹۶۳، بولتن، ص ۶۶۶

۷۶. دیوان کشور جنایی، ۲۲ ژوئن ۱۹۷۲، بولتن، ص ۵۹۵

۷۷. ۱. منن، قدرت تصمیم گیری سازمان بین المللی هوانوردی کشوری، پاریس LGDJ، ۱۹۷۰، ص ۱۲۸ و بعد

۷۸. پاریس ۱۸ نوامبر ۱۹۶۷، سالنامه فرانسوی حقوق بین الملل، ۱۹۶۸، ۸۶۶، نشریه انتقادی حقوق بین الملل خصوصی ۱۹۶۸، ۳۴۲، حاشیه M.S.D.، کلونه ۱۹۶۸، ۲۲۸، و کاهن

سازمان برای پیوستن به اساسنامه لازم نبوده است.^{۷۹} اما در عوض باید دادگاه را بخاطر تفاوت نگذاشتن در مفاد یک تصویبنامه که دو نوع مجازات تعیین کرده است مورد تأیید قرار داد. در این تصویبنامه بعضی از مجازاتها قابل اجرا نسبت به جرایم به امور فردی یا آیین نامه ها در نظر گرفته شده بود که در اجرای مقررات اساسنامه بهداشتی بین المللی واقع می شد و بعضی دیگر قابل اجرا در مورد جرایم نسبت به سایر مقررات اساسنامه بهداشتی بود. ف. کان در استدلالات دادگاه مغایرت مشاهده نموده است زیرا به عقیده دادگاه ضمانت های اجرایی خاصی در مورد بعضی مقررات اساسنامه وجود دارد. بنابراین می توان چنین نتیجه گرفت که مقررات اخیر از نظر دادگاه در فرانسه مستقیماً قابل اجرا بوده است. در قضیه دیگری که نسبتاً ویژگی خود را داشت شورای دولتی راجع به اجرای یکی از قطعنامه های مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد لغو قیومت فرانسه بر کامرون باید نظر خود را اعلام می داشت.^{۸۰} عملاً با توجه به اینکه قطعنامه مذکور با توافق کامل دولت فرانسه صادر شده بود قاضی دادگاه اداری (شورای دولتی) به جنبه کاملاً اعتباری و محتوای قرارداد^{۸۱} متوسل شد تا اثبات نماید که تصویبنامه ۱۴ مارس ۱۹۵۳ به اعمال بین المللی غیر قراردادی مربوط نمی باشد. در هر حال به علت عدم انتشار قطعنامه مزبور شورای دولتی فقط به عنوان یک واقعه که نتایج مربوط به خود را در بردارد به قضیه نگاه کرد و متعاقب آن عدم صلاحیت خود را مورد دعاوی راجع به سرزمینی که فرانسه بعد از لغو قیومت حقی در آنجا ندارد اعلام کرد. در واقع شورای دولتی در مقابل وضعیتی قرار گرفته بود که استثنائاً قطعنامه مجمع عمومی به موجب خود قرارداد و قیومت بر

۷۹. وینی، اساسنامه بهداشتی بین المللی، سالنامه فرانسوی حقوق بین الملل ۱۹۶۳، ۱۹۶۹.

۸۰. شورای دولتی، ۳ نوامبر ۱۹۶۱ مینو، مجموعه لوین ص ۶۱۲، پونان ۱۹۶۳، ۶۱، اردونو و لامبوته

۸۱. عبارت از ش. روسواست. نشریه حقوق بین الملل عمومی، ۱۹۶۲، ۸۶۷.

فرانسه حاکم بوده است،^{۸۲} چون به موجب ماده ۶ معاهده قیمومت راجع به کامرون منتشره در روزنامه رسمی جمهوری فرانسه این دولت به طور ضمنی متعهد شده بوده که قطعنامه مجمع عمومی راجع به لغو قیمومت را به اجرا درآورد.

مسائل ناشی از اجرای مقررات اساسنامه صندوق بین المللی پول مندرج در موافقت نامه های برتن وودز راجع به افراد خصوصی نیز در فرانسه قابل ذکر است. به موجب ماده VIII 2b مقامات قضایی یک دولت عضو نمی توانند به اجرای قرارداد مبادله ای که مخالف مقررات مبادله دولت دیگر است حکم نمایند.^{۸۳}

۲. شرط رفتار متقابل پیش بینی شده در ماده ۵۵ قانون اساسی

بر اساس ماده ۵۵ معاهدات و موافقت نامه های بین المللی دولت فرانسه بر قوانین برتری دارند به شرط آنکه هر قرارداد یا موافقت نامه توسط طرف دیگر اجرا شود ماده مزبور نه تنها به علت مشکلات اجرای آن^{۸۴} بلکه به علت شک و تردیدی که نسبت به اعتبار چنین شرطی در حقوق علت بین الملل وجود دارد^{۸۵} مورد انتقاد قرار گرفته است. در عمل این مسأله هیچگاه در دادگاههای فرانسه مطرح نشده. در این زمینه دادگاه اداری پاریس گفته است که شرط رفتار متقابل نباید از سوی قاضی مستند واقع شود.^{۸۶} دادگاههای قضایی هم به نوبه خود حتی قبل از درج شرط رفتار

۸۲. م. ویرالی، ارزش حقوقی توصیه نامه های سازمانهای بین المللی، سالنامه فرانسوی حقوق بین الملل ۱۹۵۶، ۸۵

۸۳. ر.پ. ژویبار JCP I ۱۷۱ ۲۳۹۹، راجع به رأی دادگاه پاریس مورخ ۱۲ مارس ۱۹۷۰، مفرد تأیید دیوان کشور، ۷ مارس ۱۹۷۲.

۸۴. ش. روسو قانون اساسی ۱۹۵۸ و معاهدات بین المللی، بادوان، برون ۱۹۶۰-۲۷۱

۸۵. ل. دوپوی، قاضی اداری فرانسه و قواعد حقوق بین الملل « سالنامه فرانسوی حقوق بین الملل ۱۹۷۱، ۲۲.

۸۶. دادگاه اداری پاریس، ۶ آوریل ۱۹۶۵، مجموعه لوین، ص ۲۷۱، بر اساس مرجع موثق در تفسیر، دادگاه بطور ضمنی همان روش را اختیار کرده است؛ اودان، مذکور، ص ۱۳۲.

متقابل در قانون اساسی ۱۹۵۸ در بعضی موارد استناد به اصل فوق را می پذیرفتند به شرط آنکه دادگاه مزبور حق نداشته باشد که در مقام جانشین مقامات صلاحیتدار کشور مقابل تعیین کند که رفتار متقابل که پایه حقوقی قرارداد است در آن کشور هم ملحوظ می شود یا نه^{۸۷} و در این مورد اخیر به وزارت امور خارجه ارجاع می شود.^{۸۸} متعاقباً دادگاه صلح پاریس چنین اظهار نظر کرد که طرفی که استناد به عدم اجرای معاهده می کند موظف است صحت ادعای خود را اثبات کند. بدون آنکه این امر (به عقیده ما) موجب شود که دادگاهها صحت ادعای مزبور را بررسی کنند اما چندی بعد دیدیم که دادگاه استیناف مبادرت به بررسی اجرای یک معاهده نمود. به عبارت دیگر دادگاه استیناف نیم (Nimes) اظهار نظر کرد که معاهده ای در ایتالیا به مورد اجرا گذاشته شده است^{۸۹} و چون معاهده مربوط به وضعیت بیگانگان بوده قضات شاید تصور می کرده اند که می توانند به ماده ۱۱ قانون مدنی استناد نمایند که به موجب آن طرف خارجی تنها از حقوق اعطا شده به او در قراردادهای مربوط به دولت متبوع خود برخوردار می باشد». به هر حال چه اصل رفتار متقابل راجع به اعمال و اجرای حقوق مدنی پیش بینی شده در ماده ۱۱ قانون مدنی^{۹۰} باشد و چه اصل رفتار متقابل مندرج در یک معاهده اقامت اصل بر عدم صلاحیت محاکم قضایی است^{۹۱} همچنانکه در مورد اصل مذکور در قانون اساسی ۱۹۵۸ نیز مطرح است. واقعیت امر این است که کنترل و بررسی توسط دادگاههای فرانسه راجع به اجرا یا عدم اجرای یک معاهده در خارج مشکلات دیپلماتیک برای دولت ایجاد خواهد کرد. اخیراً شعبه کیفری

۸۷. دادگاه تجارت سن، ۹ ژانویه ۱۹۵۳، کلونه ۱۹۵۳، ۳۶۶.

۸۸. دیوا کشور، جنایی، ۲۳ مارس ۱۹۵۳، ۳۶۵، حایه، ساواتیه

۸۹. نیم، ۲۳ مه ۱۹۶۸، JCP II ۶۹ ۱۶۰۰۲ حاشیه، سیمون دپیتز

۹۰. راجع به دامنه شمول این اصل نگاه کنید، ه باتیفل و پ لاگارد، *Traité*، چاپ پنجم، T. I، شماره ۱۸۷ ص ۲۲۴.

۹۱. در این باره، حاشیه، ر. ساواتیه، مذکور؛

دیوان کشور مسأله شرط رفتار متقابل را مطرح کرد و بررسی آن را به وزارت امور خارجه محول نمود^{۹۲} ولی همانطور که پیش بینی می شد وزارت امور خارجه به غیر قابل اجرا بودن معاهده بین المللی مربوط در فرانسه اشاره نمود و موضوع مورد سؤال را پاسخ نداد و در عین حال راه حل دیوان کشور قابل انتقاد بود زیرا احتمال داشت دولت فرانسه را از نظر دیپلماتیک در موقعیت حساسی قرار دهد. تحقیق فوق اهمیت رویه قضایی را با وجود محدودیت متون و ناشناخته بودن عملکرد اداری نشان می دهد.

۹۲. شنبه کیفری دیوان کشور، ۲۶ ژوئن ۱۹۷۲، بولتن جنایی ص ۵۹۵ JCP ۷۳ II ۱۷۴۵۷